

تولید معاونت فرهنگی و اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد

آسیب کمیت گرایی در کار فرهنگی

کمیت گرایی امروزه در دنیای غرب جایگاهی ویژه پیدا نموده است. این انحراف بزرگ در قرن ۱۶ و ۱۷ با ظهور افرادی مانند دکارت و گالیله و بعدها نیوتون در تمدن غرب رخ داد و پس از آن در قرون ۱۹ و ۲۰ با سیطره غرب بر کل دنیا در تمام گستره کره زمین نهادینه شد. در این دوران، سیطره کمیت گرایی موجب شد علم ریاضی در رأس علوم قرار گیرد. همه چیز حتی مسائل کیفی، همچون فرهنگ و ... نیز با دید کمی سنجیده شد. از جمله تحولاتی که کمیت گرایی به وجود آورد، در علم اقتصاد بود که شاخصهای کمی مانند تولید ناخالص و رشد اقتصادی و ... به مهمترین دلایل پیشرفت کشورها تبدیل شد و این، موجب غفلت از مسائل کیفی اقتصاد، همچون عدالت و ... شد.

کمیت گرایی متأسفانه در کشور ما نیز به تبع نظام سلطه به وسیله درس خواندگان غربی نهادینه شد و به پارادایمی غالب تبدیل شد، تا جایی که حتی در فعالیتهای فرهنگی و مذهبی ما نیز به یک شاخص اصلی تبدیل شده است.

کمیت از دیدگاه اسلام، فی الجمله و در برخی از امور، پذیرفته شده است؛ مثلاً در تعداد رکعات نماز و تعداد برخی از اذکار، مهم است و بدون رعایت آن اعداد، عمل یا باطل می شود و یا به هدف خود نمی رسد. اما در مسائل فرهنگی و انسان سازی، کمیت نباید محور قرار گیرد؛ همان طور که در آیات قرآن به این مطلب اشاره شده است؛ «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَى النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده/ آیه ۳۲) هر کس یک انسان را زنده کند گویی همه مردم را زنده کرده است. زنده کردن در اینجا فقط شامل زنده کردن ظاهری نیست. امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه می فرماید: «مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى فَكَأَنَّمَا أَحْيَاهَا»^۱ کسی که انسانی را از ضلالت نجات دهد و هدایت کند گویی او را احیاء کرده است.

در آیه و روایت شریفه فوق ملاحظه می شود که کمیت گرایی به هیچ وجه لحاظ نشده است، بلکه زنده کردن یک نفر به نور هدایت، معادل زنده کردن همه مردم است. مصادیق احیاء نیز می تواند متعدد باشد.

مطابق مطلب فوق باید گفت متأسفانه امروز در بسیاری از مراکز فرهنگی ما، از جمله مسجد و بسیج، در گزارش فعالیتها، برای سنجش موفقیت یک مجموعه، صرفاً اعداد کمی مورد لحاظ قرار می گیرد. بر طبق آیه فوق باید در

سنجش فعالیتها ملاحظه نمود که مراکز فرهنگی از جمله مسجد، چند نفر انسان را مورد هدایت قرار داده‌اند و از راهی باطل و غلط به راه حق و صحیح کشانده‌اند؛ مثلاً آیا در زمینه اعتیاد، طلاق و ... توانسته‌اند مصادیقی از این دست را جلوگیری یا علاج کنند؟ در زمینه سلامت چقدر توانسته‌اند موجب بازیابی سلامت بیماران شوند؟ چقدر توانسته‌اند با ایجاد اشتغال، جوان یا خانواده‌ای را از فقر و احتمالاً فساد نجات دهند؟ اینها همان مصادیق احیاء است که قرآن به آن اشاره دارد. البته می‌توان مساجد را در این امور به صورت تخصصی وارد کرد و هر مسجد، یکی از مصادیق احیاء را عهده دار شود.

مسئولان بالادستی باید چنین اموری را پیگیری کنند و به چنین اموری امتیازات و تسهیلات و کمکهای ویژه بدهند، نه این که صرفاً مثلاً مجموعه‌ای تعدادی مسابقه ورزشی برگزار کند و به دلیل تعداد بالای شرکت کنندگان امتیاز ویژه دریافت کند. اگر فعالیت‌های مراکز دینی و فرهنگی، کیفی سازی شود به تبع آن، کمیت هم رشد خواهد کرد، اما فعالیت‌های کمی و غیر کیفی، ممکن است مدتی افرادی را جذب مجموعه کند، اما پس از مدتی به رکود خواهد خورد.

پایان پیام/